شهید قاسم سلیمانی | شهید ابومهدی المهندس | شهید مصطفی چمران | شهید ادواردو آنیلی | شهید حسن شاطری | شهید حسن طهرانی مقدم | شهید حسین همدانی | شهید محسن فخری‌زاده | شهید صیاد شیرازی | شهید محسن حججی | شهید سیدمحمدباقر حکیم | شهید عماد مغنیه | شیخ ابراهیم زکزاکی | دکتر رمضان عبدالله | سردار ابراهیم محمدزاده | سیدحسن نصرالله

یادی از شهید مدافع حرم ابراهیم رشید

تخریبچی ماهر استاد اخلاق

مهدی امیدی

شهید مدافع حرم محمدابراهیم رشید، سال‌ها در تیپ مکانیزه ۲۰ رمضان نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان تخریبچی، مشق عشق می‌کرد. او همچنین مسئول جلوه‌های ویژه میدانی و انفجارات در مستند مسابقه تلویزیونی «ضدگلوله» بود. وی مدتی نیز فرماندهی پایگاه مقاومت بسیج ویژه شهدای روستای صرم قم را بر عهده داشت. شهید مدافع حرم ابراهیم رشید بارها به عنوان مدافع حرم در عرصه جهاد با کفار تکفیری حاضر شده بود که سرانجام، ۱۰ تیر سال ۹۷ طی عملیاتی مستشاری در مسیر جاده تدمر- دیرالزور سوریه به خاطر برخورد با تله انفجاری در سن ۳۲سالگی به شهادت رسید.

سرهنگ هادی سفیدچیان فرمانده تیپ مکانیزه ۲۰ رمضان در گفت‌وگو با کیهان گفته بود: محمدابراهیم در عین حال که تخریبچی بسیار ماهری بود، برای همکاران و اطرافیان خود یک استاد اخلاق هم بود. محمدابراهیم خود را یک نظامی محدود به پادگان نمی دانست و می‌گفت من پاسدار جهان اسلام هستم. رفتار، اخلاق و سلوک او نشان می داد در این دنیا ماندنی نیست و لایق شهادت است. همسر شهید در گفت‌وگویی گفته بود: آقارشید تخصصش جنگ نامنظم و چریکی بود. فوق‌العاده علاقه و مهارت در این زمینه داشت و در همین رشته تحصیل و تحقیق کرده بود. آقاابراهیم هیچ وقت مستقیم درباره موضوعی صحبت نمی‌کرد و به قول معروف به در می‌گفت تا دیوار بشنود. یک بار خیلی ناراحت بود و، چون در خانه همیشه شاد و بانشاط بود این ناراحتی خیلی برایمان عجیب بود.

اصرار زیادی کردم تا دلیل ناراحتی‌اش را بگوید و در آخر گفت که از شهادت رزمندگان مدافع حرم ناراحت است. از شهادت کسانی که می‌شناخت صحبت کرد و گفت جنگ سوریه خیلی متفاوت است و باید با شکلی متفاوت با تروریست‌ها جنگید. من به ایشان گفتم اگر می‌دانی، می‌توانی کاری کنی برو. اولش گفت که نمی‌شود و شما و بچه‌ها را چه کار کنم. وقتی نگرانی‌اش را از بابت ما پرسید من گفتم ناموس کشور و خاک وطن از همه ما مهم‌تر است. گفتم تو به تمام خاک ایران تعهد داری و اگر کاری از دستت برمی‌آید باید بروی.

جبهه سوریه مشتاق هنرنمایی ابراهیم بود. محل کار آقاابراهیم تهران و خانه‌اش در قم بود و هر روز این مسیر را می‌رفت و می‌آمد. یک شب نمی‌توانست دوری خانواده‌اش را تحمل کند. بحث‌های اعتقادی در زندگی آقاابراهیم اولویت خیلی بالایی داشت و در کنار آن بحث‌های مادی نیز مطرح بود. اولین اعزام ایشان سال ۱۳۹۴ بود و در مدتی که آن‌جا حضور داشت مرتب پیام می‌داد و تماس می‌گرفت.

خیلی مهم است قبل از خنثی کردن بمب یا تله انفجاری با وجود استرس و حساسیت بالایی که وجود دارد به همسرت پیام بدهی و حالش را بپرسی (گریه می‌کند). متأسفم برای کسانی که فکر می‌کنند شهدای مدافع حرم برای پول رفته‌اند... شهید رشید هیچ دغدغه مالی نداشت، چون هر دو کار می‌کردیم و درآمدمان خوب بود. ما هیچ نیاز مالی نداشتیم و متأسفم برای کسانی که فکرهای اشتباه درباره شهدای مدافع حرم می‌کنند. شهید رشید به تمام آدم‌ها با هر دین و آیینی احترام می‌گذاشت و هیچ‌وقت با بدی با کسی برخورد نمی‌کرد و نمی‌خواست عقایدش را به کسی تحمیل کند.

دلنوشته همسر شهید

در سالروز ولادت شهید ابراهیم رشید، سمیه عسگری دلنوشته‌اش را برای همسر شهیدش این‌گونه می‌نویسد:

امروز را می‌توان به همه آسمانی‌ها تبریک گفت؛ امروزی که زادروز بزرگ مردیست بهشتی از جنس تو...

بعضی روزها جای خالی‌ات بیشتر از هر روز مرا آزار می‌دهد، درد نبودنت... و تنها تسکین من، همین قلم و آلبوم عکس‌هایی است که خاطراتمان را دوره می‌کنم و شیرینی تک تک لحظاتش را می‌چشم.

امروز که تو به‌دنیا آمدی،خداوند به من همسفری بهشتی را تقدیم کرد. چه خوش روزهایی بود، لحظاتی که کنار هم، کادوی تولدت را باز می‌کردیم و کاممان را به این مناسبت شیرین؛ نمی‌دانم غم نبودنت را چگونه تحمل کنم.

با دلی پرَ پَر شده به سراغت می‌آیم، کنار مزارت می‌نشینم، به جای اینکه دست‌های گرمت را بفشارم، دست روی مزار سردت می‌گذارم.

به جای نگاه در چشمان پُر مهرت، به عکست خیره می‌شوم و می‌گویم، جانان من تولدت مبارک...

نفسم، نبودنت مرا از پا در آورده است. می‌شود تولد دیگرت را کنار هم باشیم؟ می‌شود مرا به پیش خویش خوانی؟

اگر کادوی هر سالمان هدیه‌ای کوچکی بود که با عشق و علاقه برایت می‌خریدم، امسال برای آرامش و شادی روحت، صلوات به تو تقدیم می‌کنم.

دوستداران شهید، بزرگواران، هدیه معنوی امروز ما به مناسبت تولد شهیدم، صلوات است.

«اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم»

وصیت‌نامه

این شهید والامقام در وصیت نامه‌اش نوشته بود:

«بسم الله الرحمن الرحیم

شهدای شما و خانواده‌های آنها حق بزرگی بر گردن ملّت ایران دارند، اینها از حریم اهل بیت دفاع کردند، اینها رفتند با دشمنی مبارزه کردند که اگر جلویش گرفته نمی‌شد باید در داخل با او می‌جنگیدیم، و در غربت به شهادت رسیدند.(مقام معظم رهبری)

اینجانب ابراهیم رشید فرزند غلامعلی به‌شماره شناسنامه ۵۷ متولد ۱۳۶۵ در صحت و سلامت کامل گواهی می‌دهم به یگانگی الله و پیامبری خاتم الانبیاء محمد مصطفی(ص) و ولایت علی‌ابن‌ابی طالب(ع) و امامت اما عصر(عج) و ولایت ولی‌اش امام خامنه‌ای.

با سلام خدمت همه دوستان و خانواده و همسر عزیزم، در این زمان که اینجانب جسماً کنارتان نیستم به‌خاطر تمام ضعف‌ها و کمبودهایم حلالیّت می‌طلبم.

دوستان و همزمانم همیشه دقت داشته باشید هیچ وقت امام زمانتان و نائبش را تنها نگذارید و در هر نقطه و کاری مشغول هستید با دقت به آن بپردازید تا انقلاب به دست صاحب اصلی آن برسد و توجه داشته باشید اگر هر کسی کار خود را جدی نگیرد و ساده انگارد به نظام اسلامی و انقلاب ضربه وارد کرده و این گناهی نابخشودنی است و بدانید در دیدگاه کلان، نوع مسئولیت مهم نیست بلکه انجام صحیح آن اهمیت دارد و جزءترین نیروها و مسئولیت‌ها با سهل‌انگاری و سستی ممکن است بزرگ‌ترین ضربه را بزنند.

به‌خاطر میخی نعلی افتاد؛ به‌خاطر نعلی، اسبی افتاد؛ به‌خاطر اسبی، سواری افتاد؛ به‌خاطر سواری، جنگی شکست خورد؛ به‌خاطر شکستی، مملکتی شکست خورد.

و همه اینها به‌خاطر کسی بود که میخ را محکم نکوبیده بود. دقت داشته باشیم خدایی نکرده روزی این متن گویای حال ما نباشد و ان‌شاءالله همه رزمندگان اسلام در هر نقطه و مسئولیتی که هستند به نحو احسن کار خود را انجام می‌دهند و انقلاب و اسلام همیشه سربلند می‌شود و هست و پرچم انقلابمان توسط نائبش به صاحب اصلی آن می‌رسد. خانم سمیه عسگری فرزند علی همسر اینجانب می‌باشد و تمام حق و حقوق اینجانب به ایشان می‌رسد.

دوستان و خانواده عزیزم هیچ‌وقت همسرم را تنها نگذارید و نگذارید تنها بماند.

التماس دعا

ابراهیم رشید

«۱۳۹۴/۱۱/۱۹»

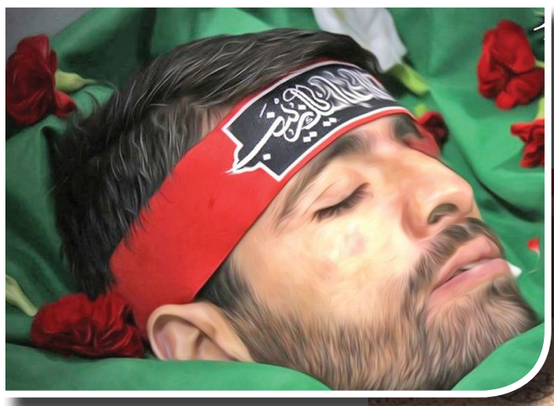

کلید اصلی به زانو درآوردن دشمن صهیونیستی

کامران پورعباس

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۴ خرداد ۱۴۰۲، در دیدار دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین و هیئت همراه با تأکید بر اینکه جهاد اسلامی و سایر گروه‌های مقاومت فلسطینی کلید اصلی مبارزه با رژیم صهیونیستی را یافته‌اند، افزودند: اقتدار روز افزون گروه‌های مقاومت در کرانه باختری کلید اصلی به زانو درآوردن دشمن صهیونیستی است که این مسیر باید ادامه یابد.

مسلح شدنِ کرانه باختری راهبردی اساسی و استراتژیک

مسلح شدنِ کرانه باختری و شکل‌گیری مقاومت مسلحانه در این مناطق، راهبرد اساسی و استراتژیکی است که امام خامنه‌ای حدود یک دهه قبل بر آن تصریح نمودند:

«این اعتقاد ما است که کرانه‌ی باختری هم مثل غزه باید مسلح بشود. دست قدرت [لازم است]. کسانی که علاقه‌مند به سرنوشت فلسطینند، اگر می‌توانند کاری بکنند، کار این است؛ در آن‌جا هم باید مردم را مسلح کنند. تنها چیزی که ممکن است از محنت فلسطینی‌ها بکاهد، عبارت است از همین که دست قدرت داشته باشند، بتوانند قدرت‌نمایی بکنند؛ والا با برخورد رام و مطیع و سازش‌کارانه، هیچ کاری به نفع فلسطینی‌ها انجام نخواهد گرفت.»۱۳۹۳/۰۵/۰۱

متعاقب این سخنان مهم، این امر حیاتی در دستور کار فلسطینی‌ها قرار گرفت و محقق گردید و به اقتدار روزافزون گروه‌های مقاومت در کرانه باختری منجر گردید.

در این گزارش وضعیت و عملکرد و دستاوردهای گروه‌های مقاومت در کرانه باختری را که با اشاره رهبر انقلاب شکل گرفته و منسجم و مقتدر گردیدند، بررسی می‌نماییم.

مقاومت بسیار کارآمد و افزایش قدرت تصاعدی

سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از مقاومت بسیار کارآمد و پرجوش و خروش و افزایش قدرت تصاعدی در کرانه باختری می‌گوید:

«مبارزه در سرزمین‌های اشغالی، یک فراگیری پیدا کرده است. صرفاً غزه، درگیر میدان مقاومت و مبارزه نیست، بلکه این مبارزه به کرانه باختری هم منتقل شده است. شما نام جنین و نابلس و رام‌الله و طولکرم و شیخ‌جراح و اینها را زیاد می‌شنوید. اینها شهرهای اصلی کرانه باختری هستند....

همان طوری که غزه مسلح شد، به همان روش، کرانه هم می‌تواند مسلح بشود و این فرآیند در حال رخ‌دادن است....

شما الان به مقاومت‌های درون خود اراضی اشغالی نگاه کنید، مثلاً در جِنین. بسیار کارآمد است. امروز مقاومت در کرانه، پرجوش و خروش است. همان فلسطینی‌ای که در غزه قدرت ساخت، همان، در کرانه هم قدرت می‌سازد.... امروز کم‌کم جوان‌های سرزمین‌های ۴۸ و ۶۷، جوانان جهادی کرانه و قدس همه برای احیای جهاد زنده شده‌اند. این اتفاق هم، قطعاً در آینده نه چندان دور، صورت خواهد گرفت. سرعتش هم نسبت به گذشته زیاد است. شما نگاه کنید، از پارسال تا الان خیلی تفاوت زیاد شده است. حالا حساب کنید، فرآیند افزایش قدرت به‌طور مداوم و به‌شکل تصاعد هندسی، در حال رشد است.» ۱۴۰۱/۰۵/۲۸

عمقِ مبارزات مسلحانه در کرانه باختری

در حال حاضر کرانه باختری فضای بسیار متفاوتی از حدود ده سال گذشته را تجربه می‌کند. امروزه شهر جنین بیش از هر زمان دیگری از گردان‌های مسلح پر شده و نتیجه این تسلیح در عملیات‌ها کاملاً عیان است.

در فروردین ۱۴۰۱، در فاصله ۱۸ روز ۴ عملیات از سوی فلسطینی‌ها از جنوب (بئرالسبع) تا شمال (تل‌آویو) رخ داد که در سال‌های اخیر این حجم از عملیات در کنار تعداد تلفات جانی صهیونیست‌ها (۱۴ نفر) یک امر کاملاً بی‌سابقه‌ای است. یکی از موضوعات مهم در این ۴ عملیات، پراکندگی جغرافیایی آن از بئرالسبع (در صحرای نقب و جنوب فلسطین اشغالی) و الخضیره در شمال تل‌آویو تا قلب تل‌آویو در شمال سرزمین‌های اشغالی است در حالی که قبلاً عملیاتها منحصر به کرانه باختری و یا درگیری میان غزه و رژیم صهیونیستی بوده است.

۴ عملیات پیاپی و همگی درون سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ بسیار حائز اهمیت و راهبردی است. چیزی که نشان می‌دهد نهادهای امنیتی صهیونیست جدا از نگرانی‌های‌شان برای کنترل کرانه باختری در کنار تضعیف قدرت کنترلی و امنیتی تشکیلات خودگردان، باید بیش از گذشته نگاهی به درون خود و مناطق کاملاً صهیونیست‌نشین هم داشته باشند.

اما نکته مهم‌تر این بود که براساس گزارش صهیونیست‌ها همه مجری‌های ۳ عملیات مسلح، از کرانه باختری خود را به درون سرزمین‌های ۱۹۴۸ رسانده‌اند. چیزی که نشان می‌دهد، تسلیح کرانه در کنار بیداری جوانان و اراده آنان برای رهایی از ظلم و زدن ضربه به صهیونیست‌ها نوید یک دوران جدید و تأثیرگذار برای فلسطینی‌ها در سال‌های پیش روست.

شیرهای عرین الاسود

پدیده کم نظیر دیگر، اعلام موجودیت گروه مقاومت «عرین الاسود»(بیشه شیرها) در سال ۱۴۰۱ در کرانه باختری بود.

دوم سپتامبر سال گذشته، پس از گذشت چهل روز از شهادت محمد العزیری(ابوصالح) و عبدالرحمن صبح مراسم بزرگداشتی برای این شهدا برگزار شد و طی آن عرین الاسود به عنوان یک پدیده مقاومتی مستمر، مبارزه خود علیه اشغالگران را علنی و اعلام کرد که به دنبال، ادامه مبارزه و حفظ بیرق مقاومت مقابل اشغالگر است و اجازه نمی‌دهد که این بیرق بر زمین بیفتد.

در آن تاریخ و در خیابان حطین در مرکز نابلس، رزمندگان این گروه مقاومتی، با تمام تجهیزات خود و در قالب سازمانی ظاهر شدند که برای همه فلسطینی‌های شرکت‌کننده در این مراسم و رسانه‌ها خیره‌کننده بود و از سوی دیگر، خشم اشغالگران را برانگیخت و اقدام علیه آن را آغاز کردند.

در این برنامه، منشور عرین الاسود و برنامه مقاومتی آن از سوی یکی از نیروهای مقاومت که چهره خود را پوشانده بود، قرائت شد و طی آن تأکید شد که خون شهید محمد العزیزی ۲۳ ساله بنیانگذار این گروه و همرزمش عبدالرحمن صبح پایمال نخواهد شد و بیرق مقاومت بر زمین نخواهد ماند و این گروه به راه خود ادامه خواهد داد.

در بیانیه‌این گروه مقاومت به اشغالگران هشدار داده شد که به زودیِ نبردهای تازه‌ای بر آنها تحمیل خواهد شد که احتمالاً نتوانند شکل و ماهیت آن را از قبل پیش‌بینی کنند؛ به‌ویژه که عرین الاسود یک گروه سازماندهی شده با رهبری در هم تنیده است و به صورت خودگردان می‌تواند هر روز به شکلهای مختلف، خون در رگهای خود را احیا کند. نبرد متحد زیر پرچم «لا اله الا الله و محمّد رسول‌الله» شعار این گروه مقاومتی است و به همه گروه‌های مقاومتی و رهبران آن مانند احترام می‌گذارد.

این گروه اعلام کرده که مسیر مقاومت را ادامه خواهد داد و تفنگش را که تنها به سمت اشغالگران و شهرک‌نشینان و مزدورانی که به آنها کمک می‌کنند، نشانه می‌گیرد، بر زمین نخواهد گذاشت.

وحدت شکلی و هماهنگی کامل در ظاهر، مکمل وحدت سازماندهی داخلی آن است. نیروهای عرین الاسود که در عنفوان جوانی با لباس متحدالشکل و سیاه‌پوش در حالی که تنها به مقاومت می‌اندیشند و لوله تفنگ‌های‌شان را با تکه‌های از یک پارچه قرمز پوشانده‌اند به این معنا که نشان دهند، هیچ تیری را بیهوده شلیک نخواهند کرد، همه چشم‌ها را خیره می‌کند. از نظر نظامی نیز عملیات عرین الاسود منعکس‌کننده این رویکرد واحد است و ابتکار عمل و غافلگیری اشغالگران در مقرهای نظامی و ایست‌های بازرسی در نقاط تماس شهر نابلس را نشان می‌دهد. این نیروها منتظر حمله اشغالگران به شهر و درگیری با آنها نمی‌شوند بلکه به محل‌های استقرار آنها حمله می‌کنند.

محبوبیت بالای عرین الاسود در میان مردم فلسطین به گونه‌ای است که در روز اعلام موجودیت رسمی، نزدیک به پنج هزار نفر در مراسم مذکور حضور یافتند. مجاهدان عرین الاسود با عملیات‌های مسلحانه و تیراندازی به سوی نظامیان صهیونیست، همه را غافلگیر می‌کنند و با صدور بیانیه‌هایی مسئولیت این عملیات‌های مسلحانه علیه ارتش اشغالگر و شهرک‌نشینان صهیونیست را برعهده می‌گیرند.

نیروهای عرین الاسود هیچ‌گونه ارتباط سازمان یافته‌ای با سازمان‌ها و احزاب شناخته شده فلسطینی ندارند و در واقع هویتشان کاملاً نامشخص است. طراحی و اجرای عملیات‌های مختلف علیه اشغالگران از سوی آنان با شیوه‌هایی کاملاً متفاوت و به صورت غیرمنتظره انجام می‌شود و این مهم موجب سردرگمی کامل نیروهای امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی شده است.

از سال میلادی گذشته، بیش از ۱۰۰۰ عملیات مسلحانه از سوی این افراد علیه نظامیان رژیم صهیونیستی انجام شد. اگرچه این اقدامات با مقابله مسلحانه رژیم صهیونیستی روبه‌رو می‌شود اما این هیچ تأثیری در کاهش عملیات‌ها نداشته است.

مسلح شدن کرانه باختری وقدرتمند شدن مقاومت در این منطقه و حتی در مناطق اشغالی ۱۹۴۸، تبدیلِ به واقعیتی شده است که صهیونیست‌ها نیز بدان رسماً اعتراف می‌کنند و عملاً دیگر هیچ نقطه‌ای از فلسطین اشغالی برای آنان امن نیست.

شرایط شکل گرفته در کرانه باختری و استیصال دستگاه‌های امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی در برابر آن بازتاب گسترده‌ای در سطح محافل سیاسی و رسانه‌ای این رژیم داشته به گونه‌ای که مسئولین سطوح مختلف در جلسات و حتی نشست‌هایی که در مقابل دیدگان رسانه‌ها برگزار می‌شود، علناً یکدیگر را متهم و سرزنش می‌کنند.

دست برتر گروه‌های مقاومت مسلح در کرانه باختری

طبق اظهارات مقامات رسمی صهیونیست، بزرگ‌ترین مشکل این رژیم در حال حاضر در کرانه باختری نهفته و با وجود همه سخت‌گیری‌ها، تل‌آویو نتوانسته کرانه باختری را برای صهیونیست‌ها امن کند.کرانه باختری فلسطین ماه‌هاست در نقطه جوش به سر می‌برد. شاید دیگر عجیب نیست که از انتفاضه سوم صحبت کنیم. در طول چند سال گذشته هشدارهای زیادی درباره قیام‌های فلسطینی‌ها اعلام شده بود، اما در حال حاضر وضعیت حتی نسبت به پیش‌بینی‌ها به‌شدت بدتر شده است. دوره افزایش حملات آزادی‌خواهانه نیروهای فلسطینی پس از ماه رمضان سال گذشته تا به امروز هیچ‌گاه متوقف نشده و حداقل ۱۶ صهیونیست طی سه ماه گذشته در مجموع عملیات نیروهای فلسطینی کشته شده‌اند. این تنش‌ها در زمان ضعف تشکیلات خودگردان به ریاست محمود عباس صورت می‌گیرد و گویی دست برتر تحولات در کرانه باختری در اختیار گروه‌های مقاومت مسلح قرار دارد. در واقع حاکم واقعی امروز در کرانه باختری، گروه‌های مقاومت فلسطینی هستند که امروز تقریبا همگی مسلح شده‌اند. از سوی دیگر ایغال لاهف رئیس‌موسسه موسوم به شورای شهرک‌سازی در منطقه شومرون اعلام کرد که پیاده‌روی در جاده‌های اطراف ما در کرانه باختری تقریباً غیرقابل تحمل است و در روزهای اخیر شهرک‌نشینان به ندرت در بزرگراه‌ها تردد می‌کنند، این امر نیاز به تغییر عمیق در سیاست از جمله تقویت نیروهای نظامی اسرائیل با دو هزار سرباز دیگر دارد؛ چراکه ارتش اسرائیل بسیار خسته شده است.

نیر کوهن خبرنگار صهیونیستی روزنامه یدیعوت آحارانوت نیز تأکید کرد که نیروی بازدارندگی تل‌آویو به‌دلیل افزایش عملیات فلسطینیان در کرانه باختری و نوار غزه و همچنین شلیک موشک‌های گروه‌های مقاومت فلسطین در حال نابودی است.

مقاومت در فضای مجازی

راز شهیدی که مرخصی نمی‌رفت!

سایت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس نوشت: «مهدی خوش‌سیرت» نوزدهم شهریور سال ۱۳۳۹ در روستای چورکوچان شهرستان آستانه اشرفیه متولد شد. تحصیلات دوران ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در زادگاهش شهرستان آستانه اشرفیه پشت سر نهاد و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم شد و پس از آن لباس مقدس سربازی را به تن کرد و چون رزمنده‌ای در خنثی کردن توطئه‌های نوکران و جیره‌خواران استکبار جهانی در منطقه گنبد، حضوری دلاورانه داشت.

هنوز دوره سربازی را به اتمام نرسانده بود که در بسیج ثبت نام کرد. مهدی زمانی عضو مدرسه عشق شد که خود تدریس عشق می‌کرد و سرد و گرم جبهه‌ها را کشیده بود لذا دوست داشت با نیروهای رزمنده نه‌تنها در جبهه و هنگام جهاد و مجاهدت بلکه در پشت جبهه و زادگاه و شهر و حتی منزلشان ارتباط برقرار کند و چون به بسیج عشق می‌ورزید، بین جبهه و پشت جبهه همیشه در حال تردد بود.

در زمان حضورش در جبهه‌ها همیشه تلاش داشت در عملیات‌ها شرکت کند و اگر به دلیل حضور در منطقه‌ای دیگر موفق به شرکت در عملیاتی نمی‌شد غم تمامی چهره نورانی‌اش را فرامی‌گرفت و تا چند روز حال خوشی نداشت.

خوش‌سیرت با تلاش بی‌وقفه‌اش در عملیات‌های افتخارآفرین و غرورآمیز طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، فتح خرمشهر، رمضان، مسلم ابن عقیل، محرم، والفجر ۴، والفجر ۶، هورالعظیم، قدس، بدر، والفجر ۸، کربلای ۲، کربلای ۵ و نصر ۴ حضور پیدا کرد.

اعتقاد راسخش به اسلام، امام و انقلاب و شاگردی این مکتب انسان‌ساز هدفی را برایش ترسیم کرده بود که برای رسیدن آن سر از پا نمی‌شناخت و بهترین دلیل اینکه پس از ۱۳ بار مجروحیت در عملیات‌های مختلف، هیچ‌گاه در استراحت کامل به سر نبرد بلکه پس از ترمیم مختصر، دوباره خود را به صحنه مبارزه و جهاد می‌رساند و در جمع لشکریان اسلام قرار می‌گرفت.

خوش‌سیرت در روزهای پایانی عمر شریفش از خجالت خانواده‌های شهیدان و به‌خصوص پس از شهادت دو برادرش حسین و رضا خوش‌سیرت، بعد از عملیات نیز به مرخصی نمی‌آمد.

خوش‌سیرت مسئولیت‌های خویش را در جبهه از فرماندهی دسته آغاز کرد و پس از گروهان و گردان، با رشادت و مدیریتی که از خود نشان داده بود به فرماندهی تیپ دوم محرم و معاونت فرماندهی لشکر قدس گیلان برگزیده شد.

در فراق دوستانش هماره می‌سوخت و در دل و بر لب آرزوی شهادت داشت، سرانجام پس از سال‌ها حضور مستمر و مداوم در جبهه‌های جنگ و رزم بی‌امان و مجاهدت در دو جبهه جهاد اصغر و جهاد اکبر، در عملیات نصر ۴ و فتح ماووت عراق در تاریخ ۶ تیر سال ۱۳۶۶ ندای «ارجعی الی ربک» را از معشوق حقیقی‌اش شنید و لبیک‌گویان به سویش پر کشید.

امام جماعت

در ایام قبل از عملیات کربلای ۵؛ فرماندهان؛ حسین املاکی (قائم‌مقام لشکر قدس گیلان)، مهدی اصغری خواه (فرمانده گردان کمیل لشکر قدس)، مهدی خوش‌سیرت و صادق رضایی به‌اتفاق هم به شناسایی می‌رفتند.

وقت نماز برای جلو فرستادن یکی از آنها به‌عنوان امام جماعت دردسر داشتیم. معمولاً به خاطر خضوع و فروتنی که داشتند، نمی‌پذیرفتند.

بعضی‌اوقات پنج دقیقه نماز به تأخیر می‌افتاد تا نیروها بتوانند یکی از آنها را راضی کنند که جلو بایستد. بچه‌ها دوست داشتند نماز را به جماعت اقامه کنند. اگرچند نفر هم بودند؛ جماعت می‌خواندند.

تنها کسی که بدون تعارف امام جماعت می‌شد، شهید مهدی خوش‌سیرت بود. برای این کار اعتمادبه‌نفس عجیبی داشت.

یک‌شب این چند فرمانده از شناسایی برگشتند و آقای رضا تقی زاده و آقای حزنی همراهشان بودند. آنها هفته‌ای یک‌بار پیش ما می‌آمدند. از اعتمادبه‌نفس آقای خوش‌سیرت صحبت به میان آمد؛ این‌که در بین همه فرماندهان با اطمینان خاطر به‌راحتی جلوی صف جماعت می‌ایستد و کار همه را راحت می‌کند.

در نبود آقای خوش‌سیرت، آقای اصغری خواه را می‌فرستادند، ولی هیچ‌گاه خودش جلوی صف نمی‌رفت. باید او را هول می‌دادند. یک‌صدا می‌گفتند: محمد آقا صلوات. همگی صلوات می‌فرستادند و او نشنیده می‌گرفت. دوباره می‌گفتند: محمد آقا صلوات.

می‌گفت: نمی‌تونم، ولم کنید؛ من شایسته این کار نیستم. آقای فلانی هست. دوباره می‌گفتند: محمد آقا صلوات. اجازه حرف زدن به او را نمی‌دادند. آن‌قدر صلوات می‌فرستادند تا مجبورش می‌کردند، اما خوش‌سیرت خودش می‌رفت.

فقط نیروها می‌توانستند تشخیص دهند که چه کسی شایستگی دارد در جایگاه امام جماعت بایستد.

روایت صدثانیه ای

می‌خواهم نشانت دهم...

ابوالقاسم محمدزاده

مادر شهیدعلی نقی ابونصری می‌گفت:

- «مدتی بعد از شهادتش علی را در خواب دیدم. خواب دیدم در باغ بسیار بزرگی هستم که در آن‌جا ساختمان‌هایی شبیه به آپارتمان‌های خیلی بلند است و همگی آنها با رنگ سبز خیلی قشنگی، درخشندگی خاصی دارند.

ناگهان چشمم به بلندترین ساختمان آن‌جا افتاد و دیدم پسرم در طبقه یکی مانده به آخر ایستاده و دارد مرا نگاه می کند، او از من خواست به طبقه بالا بروم، گفتم؛ نمی‌توانم». دستش را دراز کرد و گفت:

-«دست مرا بگیر و بیا بالا».

نمی دانم با آن فاصله زیاد، چطور شد که دست علی به من رسید. فقط می دانم که دستش را گرفتم و بالا رفتم. به من گفت: « می‌خواهی امام حسین(ع) را نشانت بدهم؟ گفتم؛ البته. «با دست به طبقه بالای سر خودش که آخرین طبقه بود اشاره کرد و گفت؛ « این هم امام حسین(ع)»، به آن‌جا که نگاه کردم. نور خیره‌کننده ای را دیدم و از هیبتش از خواب پریدم.

یک شهید، یک خاطره

شبِ دامادی

مریم عرفانیان

در شب دامادی علیرضا همهٔ دوستان جمع شدیم و او را روی دست بلند کردیم و دور تا دور مجلس چرخاندیم. به او گفتم:

- «حتماً خیلی خوشحالی که امشب شب دامادی‌ات هست؟»

علیرضا بی‌هیچ فکری بلافاصله جواب داد:

- «من وقتی خوشحالم که در جبهه شهید شوم، پیکرم رو به روستا بیاورند و مردم مرا روی دست‌هایشان تا مزارم تشییع کنند.»

خاطره‌ای از شهید علیرضا خالقی
راوی: علی خالقی، دوست شهید